

۴) گاه‌شماری در ایران

- الف) گاه‌شماری در ایران پیش از اسلام
- ب) گاه‌شماری در ایران از ورود اسلام تا قرن نهم هجری قمری
- ج) گاه‌شماری در ایران از قرن نهم هجری قمری تا کنون
- د) گاه‌شماری‌های محلی ایران

مطالعه ارکان و مبادی گاه‌شماری‌های رایج در ایران، تفاوت‌های اساسی آنها را در مقاطع تاریخی پیش و پس از اسلام نشان می‌دهد. در این بخش از مقاله، سیر تحول گاه‌شماری در ایران به سه بخش پیش از اسلام، از ورود اسلام تا قرن نهم هجری و از قرن نهم هجری تا کنون تقسیم شده است. هر کدام از این بخشها نیز در اجزای کوچکتری، شامل انواع گاه‌شماری‌های مرسوم در هر یک از مقاطع تاریخی بررسی می‌شود. این تقسیم‌بندی در مورد تاریخ تحول گاه‌شماری در ایران پس از اسلام، از آن جهت اعمال شده است که مهمترین گاه‌شماری‌های ایرانی (از جمله گاه‌شماری‌های یزدگردی، جلالی، خانی) تا قرن نهم هجری قمری به وجود آمدند و رواج یافتند. از قرن نهم تا چهاردهم گاه‌شماری هجری قمری رایجترین گاه‌شماری در ایران بود و در طی این دوره زمانی، گاه‌شماری مهم دیگری که در این مقاله قابل ذکر باشد، در ایران به وجود نیامد و تنها دگرگونی‌های مهمی در قرن حاضر منجر به وضع چند نمونه گاه‌شماری جدید شد. در این بخش، تنها گاه‌شماری‌هایی معرفی می‌شوند که بیانگر مفهوم «گاه‌شماری ملی» و کاربرد هر یک از گاه‌شماری‌ها در ایران‌اند (برای گاه‌شماری‌های ایرانی که بر اساس مبادی قومی - ناحیه‌ای تنظیم شده‌اند نک: همین بخش از مقاله، قسمت د).

الف) گاه‌شماری در ایران پیش از اسلام

۱. قدیمترین گاه‌شماری ایرانی
۲. گاه‌شماری در دوره هخامنشی
۳. گاه‌شماری در دوره اشکانی
۴. گاه‌شماری در دوره ساسانی

۱. قدیمترین گاه‌شماری ایرانی.

در بررسی گاه‌شماری ایرانی در دوره پیش از تشکیل امپراتوری هخامنشی، که از آن به قدیمترین گاه‌شماری ایرانی نیز تعبیر می‌شود، توجه به ماهیت تقسیم‌بندی سرزمین ایران به دو بخش شرقی و غربی، که بویژه از نظر زبانی با هم تفاوت‌های بسیار دارند، ضروری است. پژوهش درباره گاه‌شماری در این دوره محدود می‌شود به بعضی منابع بابلی برای گاه‌شماری بخش غربی در همسایگی

بین‌النهرین و معدود منابعی که پس از اسلام، درباره گاه‌شماری بخش شرقی نگاشته شده است. در این دوره، مهمترین عامل برای طراحی گاه‌شماری، در نجد ایران، ورود ساکنان آن به مرحله‌ای از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی بوده است، چرا که در جوامع کشاورزی‌مدار، وجود نوعی گاه‌شماری شمسی برای تعیین موقعیت خورشید و به دست آوردن زمان تقریبی فصول بسیار ضروری است (هاتنر، ص ۷۲۰). در حالی که همسایگی با بین‌النهرین و تماس دائم ساکنان غربی نجد ایران با تمدن بابل سبب شد تا ایرانیان، بسیاری از اجزای گاه‌شماری بابلی را اخذ کنند که در نتیجه، نوعی گاه‌شماری شمسی - قمری در نواحی غربی ایران رواج یافت (برای آگاهی بیشتر در این زمینه و شواهد باستان‌شناختی این گاه‌شماری در آثار ایرانی پیش از تاریخ نک: همان، ص ۷۲۰-۷۴۴). این تأثیرپذیری در دوره شاهنشاهی هخامنشی نیز ادامه یافت (نک: ادامه همین بخش از مقاله، قسمت: ۲).

در نواحی شرقی ایران، رواج گونه‌ای گاه‌شماری شمسی که با گاه‌شماری زردشتی شباهتهایی دارد، تنها به استناد نوشته بیرونی (۱۹۲۳، ص ۱۱) تأیید می‌شود. بر اساس نوشته ابوریحان بیرونی در این گاه‌شماری، طول متوسط سال ۳۶۵ روز و یک چهارم روز در نظر گرفته می‌شده و هر سال شامل دوازده ماه سی‌روزه بوده است. برای توالی کبیسه‌های این گاه‌شماری، پس از هر شش سال یک ماه کبیسه برای جمع‌آوری پنج روز خارج از ماههای سال، و پس از گذشت ۱۲۰ سال یک ماه برای جمع‌آوری کسر شش‌ساعتی روزهای سال اعمال می‌شده است. طبق همین نوشته ابوریحان بیرونی، سال صد و بیستم (موعد برگزاری دو کبیسه) نزد ایرانیان گرمی بوده و آداب خاصی داشته است (برای آگاهی بیشتر نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۹۳-۱۰۳).

۲. گاه‌شماری در دوره هخامنشی.

از گاه‌شماری‌های احتمالی ایرانی در دوره پیش از هخامنشیان اطلاعات مهمی در دست نیست، درباره گاه‌شماری دوره هخامنشی منابع متعددی وجود دارد. مهمترین این منابع، از نظر قدمت، عبارت‌اند از: کتیبه داریوش اول در بیستون، «الواح خزانه و باروی تخت جمشید» و تعدادی هاون و دسته هاون که آنها را اشیای مذهبی نامیده‌اند. در کتیبه بیستون، نام نه ماه از ماههای گاه‌شماری هخامنشی ذکر شده (کنت ۲۱، ص ۱۶۱)

و فهرست این نامها، بر اساس الواح خزانه تخت جمشید، کامل شده است (هالوک ۲۲، ص ۷۴). همچنین، نام این ماهها در متنهای سه‌گانه کتیبه بیستون، به فارسی باستان، به عیلامی در نگارشی نزدیک به نامهای فارسی باستان و به بابلی ذکر شده است (برای فهرست تطبیقی نام ماهها در این کتیبه سه‌زبانه نک: کینگ و تامپسون، ص ۳۷-۳۸؛ کامرون، ص ۴۴-۴۵؛ هالوک، همانجا؛ برای نام بابلی ماهها نک: گرینفیلدو پورتن، ص ۶-۱۴؛ فوکت لندر، ص ۵۶-۶۰؛ نیز نک: جدول ۳). مشابهت نام این ماهها در متنهای عیلامی و فارسی باستان کتیبه بیستون، دلیلی بر آن است که هخامنشیان ارکان گاه‌شماری شمسی - قمری بابلی را، به وساطت عیلامیها، اخذ کرده‌اند (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۲۱). صورت دیگری از نام ماههای سال با ریشه عیلامی نیز به دست آمده که تنها در الواح

خزانه تخت جمشید به کار رفته و با نامهای عیلامی کتیبه بیستون تفاوت دارد (برای آگاهی از این نامها نک: هالوک، ص ۷۴-۷۵). میزان استفاده از این نامها در الواح خزانه، که به مراتب از نامهای فارسی باستان موجود در آنها کمتر است، و محدوده جغرافیایی خاصی که این نامها در آن رواج داشتند، نشان می‌دهد که در منطقه مورد استفاده از آنها زبان فارسی باستان هنوز کاملاً رواج نداشته و به زبان عیلامی، در کنار این زبان، تکلم می‌شده است.

درباره معنا و اشتقاق نامهای فارسی باستان ماههای سال، در گاه‌شماری هخامنشی که در کتیبه بیستون و الواح خزانه تخت جمشید ذکر شده، آرای گوناگونی وجود دارد. هینتس (ص ۶۴-۷۰) درباره معنا و اشتقاق این نامها گزارش مختصری از آرای برخی زبان‌شناسان آورده است.

مهمترین رکن گاه‌شماری هخامنشی، که در دوره‌های تاریخی بعدی در گاه‌شماری‌های رایج در ایران تکرار نشد، چگونگی آغاز سال (به عنوان مبدأ گاه‌شماری) و نیز موضوع اعمال کیبسه‌هاست. در گاه‌شماری هخامنشی، به تقلید از گاه‌شماری بابلی، مبدأ شمارش سالها آغاز پادشاهی هر پادشاه بود که بر اساس آن شمارش سالها با روی کار آمدن پادشاه جدید، بار دیگر از یک آغاز می‌شد؛ با این توضیح که از هنگام آغاز سلطنت هر پادشاه تا اولین روز اولین ماه سال بعد (در گاه‌شماری هخامنشی: اول آدوکنیشه)، سال جلوس و از این زمان تا اول آدوکنیشه بعدی، سال اول سلطنت محسوب می‌شد (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۹-۱۱۰) و این شمارش تا پایان هر دوره پادشاهی ادامه پیدا می‌کرد.

طول سال در گاه‌شماری هخامنشی، با توجه به رواج گونه ایرانی شده گاه‌شماری شمسی - قمری بابلی، در سالهای عادی ۳۵۴ یا ۳۵۵ روز و در سالهای کیبسه ۳۸۳ یا ۳۸۴ روز محاسبه می‌شد (همان، ص ۱۱۳). در مورد کیبسه‌گیری در این گاه‌شماری نیز آرای گوناگونی وجود دارد که طبق یکی از آنها تا ۳۶۷ ق م آرایه منظمی برای اعمال کیبسه برابر روش کیبسه‌گیری شمسی - قمری بابلی (یعنی اجرای هفت ماه کیبسه در نوزده سال) وجود نداشته، اما از این زمان روش یاد شده با آرایه منظمی در همین دوره نوزده ساله اعمال شده است (همان، ص ۱۲۴). این گمان نیز وجود دارد که ایرانیان تا ۵۲۷ ق م، یعنی نوزدهمین سال پادشاهی داریوش اول، از دوره‌های کیبسه‌گیری سه ماه در هر هشت سال استفاده می‌کردند و از این سال به بعد دوره نوزده ساله را جانشین آن کردند (نک: هارتنر، ص ۷۴۷). آرایه کیبسه‌هایی که پارکر و دوبرستاین (ص ۲۹-۳۶) برای سراسر دوره هخامنشی ارائه کرده‌اند، همین تغییر در دوره‌های کیبسه‌گیری را نشان می‌دهد.

اگرچه متأخرترین لوح از مجموعه الواح خوانده شده خزانه تخت جمشید، متعلق به سال پنجم حکومت اردشیر اول (کامرون، ص ۱۹۲-۱۹۶)، کاربرد نام ماههای فارسی باستان را تا آن زمان (۴۶۰ ق م) تأیید می‌کند و با تأکید بر اشیای مذهبی یافته شده در تخت جمشید، کاربرد گاه‌شماری شمسی - قمری بابلی، با توجه به تکرار شمارش مبدأ سالها از آغاز پادشاهی هر شاه هخامنشی و در مورد اشیای مذهبی تا سال بیست و نهم حکومت اردشیر اول (سال ۴۳۶ ق م) را تأیید می‌کند (بومن، ص ۱۲۲-۱۲۳)، به نظر بسیاری از متقدمان معاصران (ازمتقدمان تقی‌زاده، ج ۱۰، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ معین، ص ۱-۳ و از معاصران: بیرشک، ص ۵۹۴ - ۵۹۵) نوعی گاه‌شماری صرفاً شمسی،

با نام مجعول گاه‌شماری اوستایی جدید، به کار می‌رفته که در اوایل حکومت داریوش اول تنظیم شده بوده است (نیز نک: اکرمی، ص ۳۸). اگرچه در حدود قرن پنجم پیش از میلاد، نوعی گاه‌شماری شمسی، با نام ماههایی شبیه به نام زردشتی ماههای سال، در منطقه شمال غربی ایران، در کاپادوکیا، رواج داشته است (ایرانیکا، ج ۴، ص ۶۶۳)، با استناد به اسنادی که ذکر شد، رواج این گاه‌شماری در ایران دوره هخامنشی به هیچ وجه تأیید نمی‌شود (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری دوره هخامنشی نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۴-۱۳۲).

پس از حمله اسکندر به ایران (سده چهارم پیش از میلاد)، نوعی گاه‌شماری با بعضی ارکان یونانی (از جمله، مبدأ گاه‌شماری) و نیز بعضی ارکان گاه‌شماری شمسی - قمری بابلی در ایران رواج یافت که به گاه‌شماری سلوکی مشهور است. اسناد دارای تاریخ گاه‌شماری سلوکی، در نقاط متعدد تحت تسلط سلوکیان در ایران و بین‌النهرین و شام پراکنده‌اند. ازینرو، بحث درباره گاه‌شماری سلوکی در این مناطق، در کنار سایر مشخصه‌های این گاه‌شماری، در بخش ۷ این مقاله صورت می‌گیرد.

۳. گاه‌شماری در دوره اشکانی.

وسعت امپراتوری اشکانی، دوره تقریباً طولانی حکمفرمایی این سلسله بر ایران (ح ۲۵۰ ق م - ح ۲۲۶ میلادی) و انواع گوناگون گاه‌شماری‌های رایج در این دوره، این بخش از تاریخ ایران را به بخش مهمی در بررسی‌های گاه‌شناسی بدل کرده است؛ بویژه آنکه، بعضی ارکان گاه‌شماری زردشتی نخستین‌بار در این دوره دیده می‌شود (نک: ادامه همین بخش از مقاله). ارکان پاره‌ای از گاه‌شماری‌های رایج در دوره اشکانی، به سبب کمبود منابع، به طور کامل قابل شناسایی نیست. بررسی اسناد تاریخدار این دوره، یا اسنادی که دست‌کم یکی از ارکان گاه‌شماری بر آنها درج شده باشد، یعنی سکه‌ها، اسناد تاریخدار بابلی، پوست‌نوشته‌های دورا - اروپوس ۳۰، سفال شکسته‌های نسا و بعضی کتیبه‌های دو زبانه، نشان می‌دهند که در دوره اشکانی انواع گاه‌شماری‌های سلوکی (با نام مقدونی یا بابلی ماهها)، اشکانی (با مبدأ اشکانی و با نام مقدونی ماهها) و گونه‌ای گاه‌شماری زردشتی (با مبدأ اشکانی و نام ماههای فارسی میانه) رواج داشته است.

جدول ۳ - نام ماههای سال در گاه‌شماری هخامنشی (پارسی باستان) و معادل عیلامی قدیم و

عیلامی جدید و بابلی آنها بر اساس کتیبه بیستون و الواح خزانه تخت جمشید

ردیف	پارسی باستان	عیلامی قدیم	عیلامی جدید	بابلی
۱	آدوگنیشه	زیکلی	هدوگنش	نيسنُو
۲	تور واهر	زرپکیم	تورمر	ايارو
۳	ثایگرچش	هدر	ساکوریزیش	سیمنو
۴	گرم‌پده	هلیمه	گرمبتش	دوئوزو
۵	درن باجیش	زیلتم	تورنیزیش	آبو
۶	کارباشیش	بلیلیت	گریشیش	اولولو

تَشْرِیْتُو	بَکِیْتِیْش	مَنْشَرِکِی	بَاغِیَادِش	۷
اَرَهَسْمَنَه	مَرْکَشَنَش	لَنْکَلِی	وَر کَزَنَه	۸
کِیْسِیْلِیْمُو	هَشِیْتِیْش	شِیْبِرِی	اَثْرِیَادِیَه	۹
تِیْتُو	هَنْمَکَش	شِرْمِی	اَنَامَکَه	۱۰
شَبَاتُو	سَمِیْیَمَش	کَوْت مَهْمَه	ثُویووا	۱۱
اَدَارُو	مِیَه کَنْش	اَشَه تُوک پِی	وِیِخَنَه / وِیِخَنَه	۱۲

در سالهای نخستین سلسله اشکانی، تحت تأثیر حمله اسکندر و دوره یونانی‌مابی، گاه‌شماری سلوکی با نام ماههای مقدونی، بویژه بر روی سکه‌های اشکانی، کاربرد داشت (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۳۸). گاه‌شماری دیگر در این دوره، گاه‌شماری اشکانی با مبدأ اشکانی و نام ماههای مقدونی بوده که بویژه پوست‌نوشته‌های دورا - اروپوس با این گاه‌شماری و گاه‌شماری سلوکی تاریخگذاری شده است (همان، ص ۱۵۷-۱۵۸). گاه‌شماری اشکانی تنها در مبدأ با گاه‌شماری سلوکی متفاوت بود (همان، ص ۱۵۸). مبدأ گاه‌شماری اشکانی آغازسلطنت اشک اول (۲۵۰-۲۴۸ ق م) و مصادف با سال شصت و پنجم سلوکی بود. کهنترین سند تاریخدار با گاه‌شماری اشکانی متعلق به سال شصت و هشتم این گاه‌شماری است. با توجه به اسناد تاریخدار، گاه‌شماری اشکانی تا پایان حکومت این سلسله کاربرد داشته، در حالی که یکی از ارکان آن، یعنی نام ماهها، در اسناد متأخرتر تغییر نموده است. متأخرترین سند با مبدأ گاه‌شماری اشکانی و نام مقدونی ماهها، سنگ‌نوشته‌های دورا - اروپوس، متعلق به سال ۳۶۸ اشکانی / ۱۲۰-۱۲۱ میلادی، است (ولز و دیگران، ص ۱۰).

بخشی از مهمترین دانسته‌های ما درباره گاه‌شماری‌های دوره اشکانی مجموعه سفال‌شکسته‌های ناساست، که در نیمه اول قرن بیستم میلادی از حوالی شهر گمشده نسا در ترکمنستان به دست آمد. این سفال‌شکسته‌ها که عموماً متعلق به خمخانه شاهی بوده‌اند، اسناد تاریخداری را در محدوده زمانی ۱۵۱ ق م تا ۱۳ میلادی در بر می‌گیرند. مبدأ گاه‌شماری که بر آنها ذکر شده، همان مبدأ گاه‌شماری اشکانی است و نام ماههای سال نیز نام ماههای پارتی (پهلوی اشکانی) است که بعداً در دوره ساسانی به شکل فارسی میانه رسماً به کار رفت و امروزه نیز در گاه‌شماری هجری شمسی به کار می‌رود.

این نامها نوع گاه‌شماری به کار رفته در این اسناد را روشن می‌کند. به‌رغم سایر گاه‌شماری‌های دوره اشکانی، که در آنها طول سال بر اساس گاه‌شماری سلوکی بوده (که خود برگرفته از گاه‌شماری شمسی - قمری بابلی بوده و بر اساس سالهای قمری محاسبه می‌شده)، در این اسناد نوعی گاه‌شماری شمسی به کار رفته است. این موضوع نیازمند بررسی است که گاه‌شماری‌هایی که طول سال در آنها بر مبنای سال شمسی محاسبه می‌شده از چه زمانی در ایران رواج یافته‌اند و آرایه کببسه‌های آنها چگونه بوده است. موضوع استفاده از انواع گاه‌شماری‌های شمسی، در دوره پیش از هخامنشی، تنها در آثار دانشمندان اسلامی ذکر شده است (نک: همین بخش، قسمت الف: ۱)، اما از شناسایی طول سال شمسی در زمان هخامنشیان گزارشهایی وجود دارد، از جمله گزارشی از

کوئینتوس کورتیوس روفوس، مؤلف رومی (زندگی در حدود قرن اول میلادی)، که بنا بر آن پیشاپیش سپاه داریوش سوم، ۳۶۵ مردجوان، به تعداد روزهای سال، حرکت می‌کردند (بیکرمان، ص ۷۸۸-۷۸۹). اگر چه چنین روایاتی به تنهایی، مبین رواج نوعی گاه‌شماری شمسی در دوره هخامنشی نیست، بحث‌های گوناگونی درباره زمان رواج نخستین صورت گاه‌شماری شمسی یا آرایه‌های کیبسه‌های آن صورت گرفته‌است؛ از جمله رواج گاه‌شماری با طول سال ۳۶۰ روز یا ۳۶۵ روز در آغاز دوره ساسانی (برای آگاهی از خلاصه این بحث‌ها نک: تقی‌زاده، ج ۱۰، ص ۵۰-۵۳؛ عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۷-۲۰۱). اما با استناد به روش اعمال کیبسه یک ماهه در هر ۱۲۰ سال، برای تطبیق فصول در گاه‌شماری‌های «وَهیژکی»، رواج گاه‌شماری‌هایی با طول سال شمسی در قرن چهارم قبل از میلاد در ایران تأیید می‌شود (نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۵۸-۳۵۹، جدول ۷).

تقریباً تمامی سفال‌شکسته‌های نسا با گاه‌شماری اشکانی، تاریخگذاریهایی شده‌اند که مبدأ آن همان مبدأ اشکانی (آغاز سلطنت اشک اول) است که در گاه‌شماری سلوکی دوره اشکانی نیز استفاده می‌شده است. طول سال، شمسی بوده و نام ماههای سال به صورت پارتی و آرایه روزهای آن، دوازده ماه سی روزه و پنج روز «اندرگاه» بوده است. هر یک از روزهای ماه نیز نامی داشته‌اند (برای آگاهی از نام روزها در این گاه‌شماری نک: همان، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ برای آگاهی از نام ماهها نک: جدول ۴ و برای نام روزها نک: جدول ۵). کهنترین سند تاریخدار با گاه‌شماری اشکانی متعلق به سال ۹۷ اشکانی / ۱۵۱ ق م و متأخرترین سند نیز متعلق به سال ۲۳۵ اشکانی / ۱۳ ق م است (همان، ص ۱۶۱).

جدول ۴ - نام ماههای سال در گاه‌شماری زردشتی

فروردین	۱
اردیبهشت	۲
خرداد	۳
تیر	۴
مرداد	۵
شهریور	۶
مهر	۷
آبان	۸
آذر	۹
دی	۱۰
بهمن	۱۱
اسفندارمذ	۱۲

بجز سفال شکسته‌های نسا، کتیبه‌های دو زبانه معدودی که از دوران اشکانی به جا مانده نیز رواج این گاه‌شماری را تا پایان کار سلسله اشکانی تأیید می‌کند. این کتیبه‌های دو زبانه، که همگی در غرب فلات ایران و در همسایگی بین‌النهرین پیدا شده‌اند، همچنین نشان‌دهنده این واقعیت‌اند که اشکانیان همراه با توسعه قلمرو خود در غرب و جنوب غربی، گاه‌شماری خود را نیز در این مناطق رواج داده‌اند (همان، ص ۲۰۲-۲۰۳). یکی از کتیبه‌ها احتمالاً مورخ تیر ۳۹۸ اشکانی / ۱۵۱ میلادی (پناکتی، ص ۱۷۳-۱۷۴) و دیگری مورخ مهرروز از اسفندارمذ ۴۶۲ اشکانی / ۲۱۵ میلادی (هنینگ، ص ۱۷۶) در زمان حکومت اردوان چهارم، آخرین پادشاه اشکانی، و تقریباً هشت سال قبل از انقراض سلسله اشکانی است. علاوه بر این، با استناد به کتیبه دو زبانه مورخ ۳۹۸ اشکانی، که تاریخ ۴۶۲ سلوکی را بر متن یونانی خود دارد (نک: پناکتی، ص ۱۷۰-۱۷۱)، و سکه‌های ضرب شده در سلوکیه مورخ ۵۳۹ سلوکی که به آخرین زمامداران اشکانی، یا احتمالاً به حرکتی بی‌سرانجام بر ضد فاتحان ساسانی و به نفع پادشاهی اشکانی، مربوط است (بیوار، ص ۹۶-۹۷)، رواج گاه‌شماری سلوکی در ایران، تا پایان کار سلسله اشکانی، تأیید می‌شود.

۴. گاه‌شماری در دوره ساسانی.

کهنترین اسنادی که نشان‌دهنده استفاده از گاه‌شماری رسمی دوران ساسانی (گاه‌شماری زردشتی) است، به دوران اشکانی باز می‌گردد. ارکان این گاه‌شماری با گاه‌شماری رایج در دوره اشکانی تفاوتی دارد، از جمله اینکه مبدأ گاه‌شماری در دوره ساسانی زمان به تخت نشستن پادشاه بود و از مبدأ ثابت گاه‌شماری اشکانی استفاده نمی‌شد. همچنین، دوره‌های کیبسه‌گیری در گاه‌شماری دوره ساسانی، بلند مدت (نک: ادامه همین بخش) بود؛ ازینرو، شباهت این گاه‌شماری با گاه‌شماری اشکانی تنها در نام ماهها و نام روزهای هر ماه است. مهمترین اسناد تاریخدار ساسانی، که آگاهیهای بسیاری درباره گاه‌شماری این دوره به دست می‌دهد، کتیبه‌های آن دوران (برای فهرست این کتیبه‌ها نک: تفضلی، ص ۸۳-۱۱۰) و سکه‌های ساسانی و نوشته‌های دانشمندان اسلامی است. بجز سنگنوشته اَبُنون، که در سال سوم سلطنت شاپور اول (۲۴۳ میلادی) نوشته شده (طاووسی و فرای، ص ۲۶-۳۰)، در چند نمونه از دیوارنوشته‌های دورا - اروپوس نام روزها و ماهها و تاریخ سال (عموماً مربوط به سالهای چهاردهم و پانزدهم سلطنت شاپور اول) نقر شده است (کرلینگ، ص ۳۰۰-۳۰۵). در کتیبه بیشاپور سه مبدأ مختلف متعلق به پادشاهی سه تن از پادشاهان ساسانی کنار هم ضبط شده است. اگر چه در این کتیبه مبدأ آغاز پادشاهی نخستین پادشاه ساسانی، در کنار دو پادشاه دیگر، آورده شده (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۱۴-۲۱۵)، کتیبه‌های دیگر پادشاهان ساسانی کاربرد روش مبدأشماری از زمان به تخت نشستن هر پادشاه، در دوره‌های بعد را تأیید می‌کند (از جمله نک: تفضلی، ص ۹۵-۹۶). در این روش، از زمان به تخت نشستن هر پادشاه، در هر موقع از سال، سال اول جدید تلقی می‌شد اما نخستین نوروز، زمان تاج‌گذاری پادشاه بود (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۱۵). موضوع مهم دیگری که مناقشات بسیاری نیز پدید آورده و ماهیت آن از

لابلای این اسناد براحتی روشن نمی‌شود، چگونگی اعمال کبیسه در این گاه‌شماری است. در حالی که عده‌ای (از جمله بویس ۴۰، به نقل دوبلوا ۴۱، ص ۵۱، پانویس ۶) منکر اجرای هرگونه کبیسه در گاه‌شماری دوره ساسانی هستند، شواهد متعددی کبیسه‌گیری را تأیید می‌کند.

جدول ۵ - نام روزهای ماه در گاه‌شماری زردشتی

۱	هرمز	۱۶	مهر
۲	بهمن	۱۷	سروش
۳	اردیبهشت	۱۸	رشن
۴	شهریور	۱۹	فروردین
۵	اسپندارمذ	۲۰	بهرام
۶	خرداد	۲۱	رام
۷	امرداد	۲۲	باد
۸	دی به آذر	۲۳	دین به دین
۹	آذر	۲۴	دین
۱۰	آبان	۲۵	ارد
۱۱	خورشید/خور	۲۶	اشتاد
۱۲	ماه	۲۷	آسمان
۱۳	تیر	۲۸	زمیاد
۱۴	گوش	۲۹	مارسپند
۱۵	دی به مهر	۳۰	انیران

از میان نویسندگان دوره اسلامی، احتمالاً پیش از همه مسعودی (ج ۲، ص ۳۴۵) و سپس ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۴۵؛ همو، ۱۳۷۳-۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۰) و کوشیاربن اُبان (گ ۸ پ) از اعمال یک ماه کبیسه در هر ۱۲۰ سال، در زمان ساسانیان، یاد کرده‌اند (برای آگاهی از کلیه نتایج درباره این روش کبیسه‌گیری نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۸-۲۰۵، ۲۱۹-۲۴۰). دستور اجرای این روش کبیسه‌گیری حتی به خود زردشت نسبت داده شده است (ابوریحان بیرونی، همانجاها)، اما موضوعهای گوناگونی چون نام ماه کبیسه، چگونگی اجرای این روش کبیسه‌گیری و رواج چند گونه گاه‌شماری با نام ماهها و روزهای یکسان، درسرزمینهای زیر حکومت ساسانیان، که تفاوت آنها تنها در اجراشدن یا نشدن کبیسه بوده است، از جمله مسائلی هستند که بررسی گاه‌شماری‌های رایج در ایران را در آن دوره تاریخی با مشکل روبرو کرده‌اند.

چون نقل قولهای متفاوتی درباره نام ماه کبیسه حتی از یک مؤلف، مانند بیرونی، وجود دارد، به نظر می‌رسد که نام این ماه، در نواحی گوناگون، متفاوت و بنا بر گاه‌شماری‌هایی (دست‌کم دوگونه) که

همزمان در دوره ساسانیان رواج داشتند، نامهای متفاوتی داشته است (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۸۲-۱۸۳)؛ بدین ترتیب که احتمالاً در بعضی مناطق، تکرار نام ماه قبل و در مناطق دیگر، تکرار نام ماه بعدی بوده است (ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۳-۱۳۷۵؛ عبداللهی، همانجاها). در مورد ترتیب اجرای کیسه‌ها نیز اگرچه منابع متعدد از اجرای یک کیسه یک ماهه در یک دوره ۱۲۰ ساله خبر می‌دهند، منابع چندی (از جمله حسن قمی، ص ۱۴۶) موعده اجرای کیسه را هر ۱۱۶ سال دانسته‌اند. این روایتهای گوناگون احتمالاً نشان‌دهنده آن است که دوره اجرای کیسه در هر ۱۲۰ سال، زمان متوسط دوره است، نه زمان قطعی و حتمی آن (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۸۱).

یکی از مهمترین وقایع گاه‌شماری در دوره ساسانی، اجرای یک کیسه مضاعف، یعنی افزودن دو ماه به سال به جای یک ماه، در زمان سلطنت پیروز اول و در حدود ۴۶۱ میلادی است. در این زمان، موعده اجرای کیسه یک ماهه، بر اساس دوره متوسط ۱۲۰ ساله، فرا رسیده بود، اما مجریان کیسه برای جلوگیری از فراموش شدن اجرای کیسه یک ماهه‌ای که حدود ۱۲۰ سال بعد روی می‌داد، پیشاپیش کیسه دیگری اعمال و در این سال دو ماه کیسه‌گیری (در متون اسلامی: کیسه مضاعف) کردند (برای آگاهی بیشتر نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۲۱-۲۲۴؛ همو، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۴-۴۷).. همزمان با اجرای کیسه مضاعف، رخداد دیگری در گاه‌شماری ساسانی صورت گرفته و آن ابداع نوعی گاه‌شماری جدید بر اساس گاه‌شماری زردشتی و ارکان آن، به نام گاه‌شماری خراجی است که در کنار گاه‌شماری عرفی ساسانی (که در آن هیچگونه کیسه‌ای اعمال نمی‌شد) و گاه‌شماری وهیژکی (که در آن در یک دوره حدود ۱۲۰ ساله، یک ماه کیسه اعمال می‌شد؛ برای آگاهی از ماهیت واژه وهیژک/ وهیژکی نک: دوبلوا، ص ۴۲-۴۵) رواج یافت (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری خراجی نک: همین بخش، قسمت ب: ۳). آرایه ماههای سال در دو گاه‌شماری عرفی و وهیژکی تا زمان اجرای کیسه یک ماهه اول (۳۷۸ ق م) مطابقت می‌کرد، اما این روش کیسه‌گیری باعث بروز یک ماه اختلاف در ترتیب ماههای دو گاه‌شماری شد (برای آگاهی از افزایش اختلاف دو گاه‌شماری طی اجرای کیسه‌ها نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۵۸-۳۵۹، جدول ۷). این اختلاف موجب بروز تشتت در نحوه قرار گرفتن «اندرگاه» یا «پنجه» (پنج روز پایانی سال که در هیچ ماهی قرار نمی‌گرفت و هر کدام نام خاصی داشت) گردید. اجرای کیسه مضاعف و رواج گاه‌شماری خراجی تدبیری بود که از جمله برای حل این مشکل اندیشیده بودند (برای آگاهی از نام روزهای اندرگاه که معمولاً در منابع متقدم یکسان ضبط نشده‌اند نک: همان، ص ۳۵۴؛ کریستوفورتی، ص ۳۱-۳۲).

در سال ۴۶۱ میلادی و به هنگام اجرای کیسه مضاعف، پنج روز پایانی سال در گاه‌شماری عرفی، در پایان اسفند، با پنج روز پایانی شهریور در گاه‌شماری وهیژکی برابر بود (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۵۸-۳۵۹، جدول ۷). در این سال به منظور ابداع گاه‌شماری خراجی ساسانی، پنج روز مذکور از پایان اسفند به پایان آبان عرفی منتقل شد تا دو اندرگاه در گاه‌شماری وهیژکی و عرفی مصادف شوند (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۲۵). این همان موضعی است که کثیرالدین فرغانی (ص ۴) و کوشیاربن لبان (گ ۸ پ) برای اندرگاه برشمرده‌اند. عباراتی که کوشیار (همانجا) درباره موضع

اندرگاه آورده است، از جمله ذکر ورود خورشید به حمل در آذر، حاوی اطلاعات بسیار مهمی در مورد گاه‌شماری‌های دوران ساسانی است که از یکسو، رواج همزمان گاه‌شماری‌های وهیژکی و عرفی را در این دوره تأیید می‌کند و از سوی دیگر، بیان‌کننده تغییر موضع اندرگاه است و درعین حال به آخرین اجرای کبیسه در دوره ساسانی اشاره دارد. با مرگ یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، در ۶۵۱ میلادی و انقراض پادشاهی ساسانی، دیگر کبیسه‌ای در این گاه‌شماری اعمال نگردید.

با توجه به جدولهای مقایسه‌ای درباره تفاوت دو گاه‌شماری وهیژکی و عرفی (نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۵۸-۳۵۹، جدول ۷)، صحت نوشته‌های کوشیاربن لبان تأیید می‌شود، چرا که در ۴۶۲ میلادی، نخستین سال پس از اجرای کبیسه مضاعف، اول فروردین در گاه‌شماری وهیژکی (که موضع نجومی خورشید تقریباً مطابق اوایل برج حمل است) با اول آذر در گاه‌شماری عرفی برابر است. درباره گاه‌شماری‌های متعدد زمان ساسانیان تحقیقات مهمی صورت گرفته است، از جمله نیبرگ (ص ۶-۵۶) مهمترین متون زردشتی را که حاوی اطلاعاتی درباره گاه‌شماری زردشتی‌اند، معرفی و به آلمانی ترجمه کرده و دوبلوا (۱۹۹۶، ص ۴۱-۴۲) منابع اسلامی را در این زمینه برشمرده است (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری ساسانی نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۵-۲۴۵؛ برای بررسی سکه‌های ساسانی نک: گوبل، ص ۵-۲۰).

بر اساس منابع کهن متعلق به زبانهای ایرانی میانه شرقی و نیز نوشته‌های ابوریحان بیرونی، از چند نمونه گاه‌شماری‌های اقوام ایرانی که در شرق ایران کنونی، ماوراءالنهر، خوارزم و حوزه امپراتوری کوشان زندگی می‌کردند، اطلاعاتی در دست است؛ از جمله گاه‌شماری‌های سغدی و خوارزمی که ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۴۵-۴۸) به بعضی از ارکان آنها نظیر نام ماهها و نام روزهای ماه اشاره کرده است. از گاه‌شماری بلخی نیز اسناد تاریخدان متعددی باقی مانده است. از مجموعه این اسناد، که به خط تخاری نوشته شده‌اند، اسناد تاریخداری متعلق به فاصله زمانی ۱۱۰ تا ۵۴۹ هستند که بر اساس یک مبدأ ثابت، احتمالاً برابر ۳۴۲ تا ۷۸۸ میلادی (سیمز - ویلیامز و دوبلوا، ص ۱۴۹)، تاریخگذاری شده‌اند (سیمز - ویلیامز، ج ۱، ص ۱۴-۱۹، خلاصه‌ای از این اسناد تاریخدار را ذکر کرده و از ص ۳۲ تا ۱۴۵ ترجمه آنها را به انگلیسی به همراه آوانویسی تخاری آنها آورده است). این مبدأ احتمالاً آغاز پادشاهی یکی از پادشاهان کوشانی بوده است. در این گاه‌شماری نیز برای ماههای سال و روزهای ماه نامهایی وجود دارد و به دلیل باقی ماندن بیش از دوازده نام برای ماههای سال، احتمالاً هر ماه بیش از یک نام داشته است (سیمز ویلیامز و دوبلوا، ص ۱۵۲).

گاه‌شماری بلخی به سبب دارا بودن چند ویژگی، از جمله استفاده از یک مبدأ ثابت در دوره‌ای نسبتاً طولانی و نیز تداوم استفاده از آن تا اوایل قرن دوم هجری، در میان گاه‌شماری‌های ایرانی از اهمیت بسیاری برخوردار است (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری بلخی نک: سیمز - ویلیامز و دوبلوا، ص ۱۴۹-۱۶۴؛ برای مهمترین منابع درباره گاه‌شماری‌های اقوام شرق ایران نک: همان، ص ۱۶۴-۱۶۵).

ب) گاه‌شماری در ایران از ورود اسلام تا قرن نهم هجری قمری

۱. گاه‌شماری یزدگردی و نخستین کاربردهای گاه‌شماری هجری قمری در ایران
۲. گاه‌شماری مجوسی
۳. گاه‌شماری خراجی
۴. گاه‌شماری جلالی
۵. گاه‌شماری غازانی

۱. گاه‌شماری یزدگردی و نخستین کاربردهای گاه‌شماری هجری قمری در ایران.

گاه‌شماری یزدگردی، در کلیترین تعریف عملاً ادامه همان گاه‌شماری‌های دوره ساسانی است که زردشتیان، پس از ورود اسلام به ایران، ابداع کردند. مبدأ این گاه‌شماری سال ۶۳۲ میلادی / ۱۱ هجری قمری، هنگام به تخت نشستن یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی، بود. استفاده از این گاه‌شماری، با تغییراتی، هنوز هم در میان زردشتیان ادامه دارد (نک: ادامه مقاله). گاه‌شماری یزدگردی، در اصل ادامه گاه‌شماری خراجی دوره ساسانی است که در ۴۶۱ میلادی (همزمان با اجرای کبیسه مضاعف) به وجود آمد (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۵۴). در این گاه‌شماری، سال از دوازده ماه سی روزه و پنج روز اندرگاه تشکیل شده و این پنج روز، بر اساس تصحیحی که بر گاه‌شماری وهیژکی صورت گرفته، در پایان آبان قرار داشته است (همانجا؛ نیز نک: ادامه مقاله) اما به علت انقراض سلسله ساسانی، کبیسه‌های یک ماهه هرگز در این گاه‌شماری اعمال نشد. قدیمترین سند تاریخداری متعلق به این گاه‌شماری کتیبه‌مزاری به تاریخ سال ۶ یزدگردی / ۶۳۷ میلادی است (فرای، ص ۱۵۵). اشاره‌هایی که در برخی آثار منجمان اسلامی به گاه‌شماری قُرس (از جمله فرغانی، ص ۴-۵) و فارسی (کوشیاربن لبان، گ ۸ پ) وجود دارد، معطوف به همین گاه‌شماری است.

یکی از مهمترین ویژگیهای گاه‌شماری یزدگردی، نقش آن در حد فاصل زمان انقراض سلسله ساسانی و استقرار اسلام در ایران است. در نخستین اسناد تاریخداری ایران بعد از اسلام، عموماً این گاه‌شماری به کار رفته است. مهمترین این اسناد، مجموعه سکه‌های عرب - ساسانی است که پس از ورود اسلام، در نقاط گوناگون ایران ضرب شده‌اند. نخستین نمونه‌های موجود این سکه‌ها در سال ۲۰ یزدگردی / ۳۱ هجری قمری در مرو و سیستان ضرب شده است (واکر، ص ۳-۴). همچنین، نمونه‌هایی از این سکه‌ها متعلق به سال ۶۰ یزدگردی / ۷۲ هجری قمری است که در دارابگرد (نزدیک داراب فعلی) ضرب شده است (همان، ص ۲۸)، اما تقریباً از سال سی‌ام یزدگردی، نمونه سکه‌هایی در ایران به دست آمده که با گاه‌شماری هجری قمری ضرب شده است، از جمله سکه‌هایی با تاریخ ۴۱ هجری قمری که در دارابگرد (همان، ص ۲۵-۲۶) و زرنج (همان، ص ۵۲) ضرب شده‌اند.

تقریباً در قرن اول هجری، گاه‌شماری یزدگردی و گاه‌شماری هجری قمری در کنار هم در ایران استفاده می‌شد. از این زمان به بعد نیز گاه‌شماری یزدگردی با کاربرد کمتر بر دیگر اسناد تاریخدار، از جمله کتیبه‌های متعدد دو زبانه و همچنین نوشته‌های بعضی تاریخ‌نگاران اسلامی دیده می‌شود. از جمله مهمترین کتیبه‌های دو زبانه‌ای که با گاه‌شماری یزدگردی هم تاریخگذاری شده، کتیبه گنبد قابوس (گنبد کاووس) با تاریخ ۳۹۷ هجری است که در آن از ۳۷۷ یزدگردی با عنوان شمسی یاد شده است (برای آگاهی از متن کتیبه و پژوهشهایی که درباره آن شده است نک: <گزارش تاریخی کتیبه‌های عربی>، ج ۶، ص ۶۲). بنا به رأی برخی محققان، در قرن چهارم یزدگردی (۳۷۵ یزدگردی/۱۰۰۶ میلادی)، کیسه‌ای چند ماهه در این گاه‌شماری اعمال شده اما بررسی اسناد تاریخدار دو زبانه‌ای که پس از آن نگارش یافته، اعمال چنین کیسه‌ای را تأیید نمی‌کند (برای بررسی مشروح درباره این کیسه فرضی و آرای گوناگون درباره آن نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۵۴-۲۵۶). بنا به گزارش کوشیاربن لبان (گ ۸ پ - ۹ ر) - که این نوشته او با تفسیری نادرست به منبع اصلی اعمال کیسه مذکور تبدیل شد (برای آگاهی بیشتر نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۵۴) - در این سال پنج روز اندرگاه در گاه‌شماری یزدگردی، از پایان آبان به پایان اسفند منتقل شد. به‌رغم آنکه همه مردم در آن زمان از این تغییر استقبال نکردند، امروزه محل قرار گرفتن اندرگاه بر مبنای تغییر فوق است (نک: همان، ص ۲۵۹). با این جابجایی، درباره موضع اندرگاه رویکرد دوگانه‌ای در میان زردشتیان و بعضی نویسندگان اسلامی پدید آمد. در حالی که عده‌ای همچنان این روزها را در پایان آبان قرار می‌دادند، عده‌ای دیگر جایگاه آن را در موضع جدید و در پایان اسفند می‌دانستند (همانجا). کوشیاربن لبان (گ ۸ پ) نیز موضع پنجه را در پایان اسفند دانسته است.

امروزه، زردشتیان ایران و هند گاه‌شماری یزدگردی را به کار می‌برند، اما گاه‌شماری مورد استفاده آنان با ارکان گاه‌شماری قدیمی یزدگردی تفاوت‌های اساسی دارد. این تفاوتها، در حدود ۳۵۰ سال پیش، باعث بروز اختلاف میان گاه‌شماری یزدگردی مورد استفاده زردشتیان ایران با زردشتیان هند شد. این اختلاف در ۱۰۰۵ یزدگردی/۱۶۳۵ میلادی، با توجه یکی از موبدان زردشتی مقیم ایران به اختلاف یک ماهه بین گاه‌شماری یزدگردی زردشتیان ایران با زردشتیان هند بروز کرد (پیتاوالا، پیشگفتار شهردان، ص ۳) و علت آن کیسه یک‌ماهه‌ای بود که در قرن یازدهم یا دوازدهم میلادی، در گاه‌شماری یزدگردی در هند اعمال شده بود (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۶۳).

بحثهای بسیاری بین این دو گروه در تأیید یا رد کیسه اعمال شده صورت گرفت و در نهایت، گروهی که وجود کیسه در گاه‌شماری یزدگردی را رد می‌کردند، خود را «قدیمی» نامیدند و از گاه‌شماری بدون کیسه استفاده کردند و عده‌ای که اعمال کیسه را منافی اعمال مذهبی خویش نمی‌دانستند و از اجرای آن حمایت می‌کردند، خود را «شاهنشاهی» نامیدند و از گاه‌شماری کیسه شده استفاده کردند (همان، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ برای آگاهی از بحثها و کوششهای صورت گرفته برای حل این اختلاف نک: پیتاوالا، همان پیشگفتار، ص ۳-۱۰). این اختلاف یک‌ماهه در بسیاری از اسناد

تاریخدار متعلق به گاه‌شماری یزدگردی پس از این زمان انعکاس یافته است (برای نمونه نک: اونوالا، ص ۶۷ در بررسی انجامة دست‌نویسی از دینکرد به تاریخ ۱۲۳۱ یزدگردی).
 بررسی تقویم‌هایی که زردشتیان ایران طی چند دهه گذشته هر ساله منتشر می‌کنند، نشان می‌دهد گاه‌شماری یزدگردی معاصر زردشتی از نظر طول سال و آرایه کبیسه‌ها کاملاً از گاه‌شماری هجری شمسی پیروی می‌کند. چون در گاه‌شماری یزدگردی روز سی‌ویکم ماه وجود ندارد، طی شش‌ماه نخست هر سال، هر ماهه بین آغاز ماه جدید شمسی و ماه یزدگردی معاصر زردشتی یک روز اختلاف افزوده می‌شود. این اختلاف تنها در پایان سال هجری شمسی و با تطبیق پنج روز اندرگاه با پنج روز انتهایی سال شمسی رفع می‌گردد (برای نمونه نک: سالنمای راستی، صفحات مربوط به ماه اسفند). برای اعمال کبیسه نیز، بر اساس آرایه‌های کبیسه‌گیری گاه‌شماری هجری شمسی، در سالهای کبیسه روز شمسی، به نام «آورداد»، به روزهای اندرگاه اضافه می‌شود (نک: همان، [ص ۲۷]مقدماتی). نام این روز ششم در متون متقدم زردشتی و آثار متعلق به گاه‌شماری یزدگردی هیچ سابقه‌ای ندارد (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۶۲).

۲. گاه‌شماری مجوسی.

پس از کشته شدن یزدگرد سوم (۶۵۱ میلادی) و انقراض سلسله ساسانی، رویکردهای گوناگونی در به‌کارگیری انواع گاه‌شماری در ایران به وجود آمد. در حالی که در بعضی نقاط گاه‌شماری هجری قمری برای نخستین بار با ضرب سکه‌های عرب - ساسانی متداول شده بود، دسته‌ای از ایرانیان همچنان گاه‌شماری خود را با مبدأ به سلطنت رسیدن یزدگرد سوم (گاه‌شماری یزدگردی) به کار می‌بردند (درباره این گاه‌شماری نک: همین بخش، قسمت: ۱). دسته‌ای دیگر از ایرانیان گاه‌شماری خود را با مبدأ درگذشت این پادشاه (سال ۱۱ یزدگردی / ۶۳۲ میلادی) شمارش کردند. این گاه‌شماری که مبدأ آن مفروضاً زمان جلوس شاه جدید ساسانی بر تخت سلطنت بوده است، در متون متعدد، گاه‌شماری مجوسی یا فارسیه خوانده شده است.

نخستین بار ابوحنیفه دینوری (عالم ایرانی قرن سوم؛ ص ۱۴۰) به تاریخ مرگ یزدگرد سوم به عنوان مبدأ گاه‌شماری اشاره کرده است. بر اساس نوشته‌های حسن بن محمد قمی (ص ۲۴۲) و ابوریحان بیرونی (۱۳۷۳-۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۲) تنها تفاوت این گاه‌شماری با گاه‌شماری یزدگردی در بیست سال فاصله مبدأ آنهاست (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۷۱). کهنترین سندی که تاریخ گاه‌شماری مجوسی دارد، سکه‌ای است که در دارابگرد (در سال ۲۶ مجوسی / ۵۸ هجری قمری) ضرب شده است (نک: واکر، ص ۶۲). بر اساس مهمترین اسنادی که تاریخ گاه‌شماری مجوسی بر خود دارند، این گاه‌شماری تا سالهای پایانی قرن دوم هجری در میان اسپهبدان طبرستان رایج بوده است. آخرین سکه‌های اسپهبدان که با گاه‌شمار مجوسی ضرب شده، متعلق به سال ۱۶۱ مجوسی / ۱۹۷ هجری است (نک: همان، ص ۱۶۰). به نوشته حسن بن محمد قمی (همانجا)، این گاه‌شماری در قرن اول هجری در قم نیز کاربرد داشته است و به نوشته ابوریحان بیرونی (همانجا) مجوس (زردشتیان) خراسان و فارس و ماوراءالنهر این گاه‌شماری را با اختلاف زمانی پنج روز در

موضع اندرگاه، به کار می‌بردند (برای آگاهی بیشتر درباره این گاه‌شماری نک: تقی‌زاده، ج ۶، ص ۱۴۰-۱۴۴؛ عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۷۱-۲۷۶؛ برای بررسی سکه‌های ضرب شده با این گاه‌شماری نک: واکر، ص ۶۲-۱۶۰؛ برای جدول تطبیقی سال شمار این گاه‌شماری از سال یکم تا سال ۱۶۱ مجوسی با گاه‌شماری‌های یزدگردی، هجری قمری و میلادی نک: همان، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ نیز نک: ترابی طباطبائی و وثیق، ص ۸-۲۹ که از این گاه‌شماری با عنوان یزدگردی جدید یاد کرده‌اند).

۳. گاه‌شماری خراجی.

اساس گاه‌شماری که از اواسط قرن چهارم هجری قمری به بعد و با عنوان گاه‌شماری خراجی در ایران رواج یافت، بر تصحیحی بود که در قرن سوم هجری، بر اساس فرمانهای متوکل، و معتضد در گاه‌شماری صورت گرفت و منجر به ابداع نوعی گاه‌شماری شمسی شد (برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: ادامه مقاله، بخش ۳، قسمت ج). این تصحیح خود بر اساس ابداعی صورت گرفت که در اواخر دوره ساسانی، گاه‌شماری خراجی دوره ساسانی را پدید آورد. مبدأ گاه‌شماری خراجی، سال بیست و یکم پادشاهی خسرو پرویز (حک: ۵۹۰ تا ۶۲۸ میلادی) بوده است (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۸۶). سنجر کمالی (گ ۳ پ)، بین‌التاریخین این گاه‌شماری را با چند گاه‌شماری مشهور دیگر ارائه کرده است. با تطبیق بین‌التاریخین ذکر شده با مبدأ گاه‌شماری میلادی، روز ۱۹ مارس سال ۶۱۱ میلادی، مقارن زمان اعتدال بهاری، به عنوان مبدأ این گاه‌شماری به دست می‌آید. با در نظر گرفتن رواج گاه‌شماری هجری قمری در ایران از قرن اول هجری و با در نظر گرفتن اینکه گاه‌شماری یزدگردی نیز در این زمان کمابیش و بویژه هنگام ابداع گاه‌شماری خراجی، در میان زردشتیان ایران، متداول بود، رواج همزمان این سه گونه گاه‌شماری در ایران روشن می‌شود، که البته این موضوع با توجه به اسناد گوناگون تأیید شده است. تاریخگذاری اسناد گوناگون با هر یک از این گاه‌شماری‌ها، که گاهی برخی از ارکانشان ذکر نشده‌اند، موجب سر در گمی و اشتباه در شناسایی آنها شده است.

تقی‌زاده (ج ۶، ص ۱۲۷-۱۳۸)، گاه‌شماری خراجی را گونه‌ای گاه‌شماری قمری می‌شناسد که طی دوره‌های خاصی، برای برابر سازی آن با موقعیت فصول، یک سال از آن حذف شده است. وی با توجه به منطبق نبودن سالهای دو گاه‌شماری خراجی و هجری قمری در اسناد تاریخداری که از گاه‌شماری خراجی در ایران در دست است، بر اساس این فرض، یعنی تبعیت هر دو گاه‌شماری از طول سال قمری، در صحت تاریخهای ذکر شده در این اسناد تردید کرده است (نک: د. فارسی، ذیل «سال خراجی»، «سلاجقه‌ی کرمان»). در صورتی که، بنا به نوشته سنجر کمالی (گ ۲ پ - گ ۴ پ) و نیز تصریح محمد بن ابی‌بکر فارسی (گ ۵ پ)، طول سال در گاه‌شماری خراجی بر اساس طول سال شمسی است. سنجر کمالی (گ ۹ ر) طول سال شمسی حقیقی را در این گاه‌شماری همان مقداری که بتانی به دست آورده است (یعنی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۶ دقیقه و ۲۴ ثانیه) می‌داند.

در گاه‌شماری خراجی، نام ماه‌های سال و نام روزهای ماه، همانند گاه‌شماری یزدگردی، همان نام‌های زردشتی (صورت فارسی دری از نام‌های فارسی میانه) است (همان، گ ۴ پ) و کبیسه این گاه‌شماری نیز تا پیش از ابداع گاه‌شماری جلالی (برای آگاهی بیشتر درباره این گاه‌شماری نک: همین بخش از مقاله، قسمت ب: ۴)، هر چهار سال یک بار و با افزودن یک روز به پایان روزهای اندرگاه در پایان آبان بوده است. اما پس از رواج گاه‌شماری جلالی، آرایه کبیسه‌های گاه‌شماری خراجی از گاه‌شماری جلالی پیروی می‌کرد (سنجر کمالی، همانجا) و یک روز به پایان ماه دوازدهم (اسفند) افزوده می‌شد (فارسی، گ ۴ پ).

مهمترین اسناد درباره گاه‌شماری خراجی، تاریخهای دوگانه در آثار چند تن از نویسندگان دوره اسلامی است (از جمله افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۴۳ ش، ص ۶۱-۶۲). در این آثار تاریخهای گاه‌شماری خراجی در کنار گاه‌شماری هجری قمری ذکر شده است. ترتیبی که افضل‌الدین کرمانی برای روزها در گاه‌شماری خراجی ذکر کرده، در بعضی جاها (مثلاً ص ۱۴۱) نشان از به کار بردن نام روزهای ماه دارد، در حالی که در جاهای دیگر (از جمله ص ۲۱۷)، روش عددشماری روزهای ماه را به کار برده است. در آثار متعددی که افضل‌الدین کرمانی تألیف کرده (مثلاً، ۱۳۲۶ ش، ص ۲۹، ۳۱، ۱۰۵؛ همو، ۱۳۳۱ ش، ص ۱۶) نیز از این گاه‌شماری استفاده شده است. به نوشته سنجر کمالی (گ ۲ پ)، این گاه‌شماری در سال تألیف کتاب او، زیج اشرفی (۷۰۲ هجری قمری)، در شیراز کاملاً متداول بوده است.

با توجه به تفاوت طول سالها در دو گاه‌شماری هجری قمری و خراجی — که ناشی از تعیین دو تعریف متفاوت از طول سال به عنوان رکن گاه‌شماری در هر یک از این گاه‌شماری‌ها بوده است — اختلاف بین دو گاه‌شماری، که در ابتدا به علت تفاوت دو مبدأ به وجود آمده است (مبدأ گاه‌شماری خراجی یازده سال پیش از مبدأ گاه‌شماری هجری قمری قرار دارد)، در طول زمان، تا قرن چهارم هجری، به صفر رسید و در ۳۵۱ هجری، هر دو گاه‌شماری در سال یکسان بودند (قس تقی‌زاده، همانجا، که علت آن را اجرای ازدلاق دانسته و از طریق او به د. فارسی (همانجاها) نیز راه یافته است). اختلاف بین سالشماری در این گاه‌شماری‌ها از این پس، دوباره پدید آمد و باعث جلو افتادن گاه‌شماری هجری قمری از گاه‌شماری خراجی در سالشماری شد. این اختلاف در هنگام تألیف زیج اشرفی ده سال بود (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۶۵؛ برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری خراجی نک: همان، ص ۲۷۹-۲۹۲؛ کریستوفورتی، ص ۷۰-۸۱).

۴. گاه‌شماری جلالی. این گاه‌شماری بر اساس نظر ملک‌شاه سلجوقی (حک: ۴۶۵-۴۸۵) و وزیر او، خواجه نظام الملک طوسی (زندگی: ۴۰۸-۴۸۵)، طراحی و ابداع شد. در کهنترین منابعی که از آن یاد کرده‌اند، گاه‌شماری سلطانی نیز نامیده شده است (خازنی، ص ۵؛ برای آگاهی از دیگر نام‌های این گاه‌شماری نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۹۷). درباره زمان صدور حکم ملک‌شاه برای مطالعه این گاه‌شماری و افرادی که در ابداع آن نقش داشتند و زمان رسمیت یافتن آن بحث‌های بسیاری شده است (برای آگاهی از بخشی از این بحث‌ها نک: دهخدا، ذیل «تاریخ جلالی»؛ نیز نک: د. فارسی، ذیل «تقویم جلالی»). اگرچه بیهقی (ص ۱۶۲-۱۶۳) و ابن‌اثیر (ج ۱۰، ص ۹۸) ذکر کرده‌اند که به

دستور شاه سلجوقی عده‌ای از دانشمندان، از جمله عمر خیام، برای ساخت رصدخانه و کارهای نجومی مأموریت یافتند، حضور خیام و عده‌ای دیگر از این دانشمندان مورد تردید است (تقی‌زاده، ج ۶، ص ۱۴۸-۱۴۹). در عین حال حضور نداشتن خیام در این جمع را نیز نمی‌توان دلیل بر انکار رواج این گاه‌شماری در قرن پنجم هجری قمری دانست.

محمدبن ایوب طبری (گ ۱۵ ر) درباره گاه‌شماری جلالی در ۴۷۶ هجری قمری گزارش می‌دهد. بنابراین، نخستین آگاهی در مورد گاه‌شماری جلالی متعلق به پنج سال پس از رسمیت یافتن آن است. گزارش عبدالرحمان خازنی (ص ۷) نیز که اطلاعات مفصلی درباره این گاه‌شماری می‌دهد، تقریباً ۴۴ سال پس از رواج آن است.

جدول ۶- نام ماههای سال در گاه‌شماری جلالی

ماه نو	۱
نوبهار	۲
گرمافزا (ی)	۳
روزافزون	۴
جهانتاب	۵
جهان آرا (ی)	۶
مهرگان	۷
خزان	۸
سرمافزا	۹
شب‌افروز	۱۰
آتش‌افروز	۱۱
سال‌افزون	۱۲

گاه‌شماری جلالی بر اساس گاه‌شماری یزدگردی و نیز اختلاف اول فروردین در گاه‌شماری یزدگردی با موضع اصلی خورشید و زمان دقیق ورود آن به نقطه اعتدال بهاری طراحی شده است. مهمترین ویژگی گاه‌شماری جلالی، که آن را از سایر گاه‌شماری‌های ایرانی پیش از خود متمایز می‌کند، نخستین کبیسه‌ای است که به هنگام رسمیت یافتن گاه‌شماری جلالی (در ۴۷۱ هجری قمری) اعمال شده است.

این کبیسه، که به کبیسه جلالی نیز مشهور است (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۰۴)، عبارت بود از حذف هجده روز آغاز فروردین در سال ۴۴۸ یزدگردی و قرار دادن موقعیت ورود خورشید به نقطه اعتدال بهاری در اول این ماه. تأکیدی که محمدبن ایوب طبری (گ ۱۹ پ) بر اجرای کبیسه هجده‌روزه در پایان سال ۴۴۷ یزدگردی دارد، نشان می‌دهد که منجمان مأمور طراحی این

گاه‌شماری اختلاف به‌وجود آمده از سال ۳۷۵ یزدگردی (سالی که به نوشته کوشیاربن لبان، گ ۹ ر، موعده آخرین اجرای کبیسه در گاه‌شماری یزدگردی بوده است) تا ۴۴۷ یزدگردی را محاسبه کرده و دستور اجرای هجده روز کبیسه را داده‌اند. در عین حال، اول فروردین در گاه‌شماری خراجی نیز در سال ۳۷۵ یزدگردی / ۱۰۰۶ میلادی یولیانی، مقارن ورود خورشید به برج حمل و اعتدال بهاری بوده است (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۵۸). محاسبه روزهای جمع‌شده ناشی از اجرا نشدن کبیسه در فاصله سالهای ۳۷۵ تا ۴۴۷ یزدگردی نیز، بر اساس طول سال در گاه‌شماری خراجی (۳۶۵ روز و ۶ ساعت)، همان هجده روز کبیسه شده را به دست می‌دهد.

خازنی (همانجا) فاصله بین‌التاریخین گاه‌شماری جلالی و گاه‌شماری یزدگردی را ۱۶۲۰۷۷ روز و خواجه نصیرالدین طوسی (زیج ایلخانی، گ ۱۴ پ) ۱۶۳۱۷۳ روز نوشته است. اختلاف ۱۰۹۷ (روزه بین این دو رقم به علت تفاوت مبدهائی است که هر یک از آنها برای گاه‌شماری جلالی در نظر گرفته‌اند. خازنی ۵ شعبان ۴۶۸ و خواجه نصیرالدین طوسی ۱۰ رمضان ۴۷۱ را مبدأ این گاه‌شماری می‌دانند. مبدأ دقیقی که با محاسبه نیز تأیید می‌شود، رمضان ۴۷۱ قمری / مارس ۱۰۷۹ میلادی، یعنی زمان مورد نظر نصیرالدین طوسی، است (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۹۸-۲۹۹).

طبق نوشته خازنی (ص ۵)، نام ماهها و روزهای سال در گاه‌شماری جلالی نامهای فارسی (نامهای گاه‌شماری یزدگردی) است، اما خواجه نصیرالدین طوسی (سی فصل، فصل ۶) و سنجر کمالی (گ ۴ ر) فهرستی متفاوت از نام ماهها و روزهای ماه و اندرگاه برای این گاه‌شماری ذکر کرده‌اند که برگرفته از صفت‌هایی در فارسی دری است (برای آگاهی از این نامها نک: عبداللهی، ص ۳۶۶-۳۶۷، جدول ۱۴ و ۱۵؛ نیز نک: جدولهای ۶ و ۷ همین مقاله). ضمن اینکه سنجر کمالی (همانجا) به این مطلب اشاره می‌کند که در زمان تألیف زیج اشرفی نیز نام روزها و ماهها در گاه‌شماری جلالی، فارسی (یزدگردی) بوده است.

به نوشته خازنی (همانجا)، طول ماههای سال در گاه‌شماری جلالی، بر خلاف سایر گاه‌شماری‌ها، بر اساس ورود خورشید به هر یک از صورتهای فلکی منطقه البروج (برجهای دوازده‌گانه) است. اما بر این اساس، ماههای گاه‌شماری جلالی در هنگام توقف خورشید در بروج فصل بهار و تابستان باید ۳۱ روزه می‌بود که در این صورت، چون در گاه‌شماری یزدگردی برای روز سی‌ویکم نامی وجود نداشت و با توجه به تعداد نام‌هایی که نصیرالدین طوسی و سنجر کمالی (همانجاها) برای گاه‌شماری جلالی برشمرده‌اند، احتمالاً در این گاه‌شماری از روش روزشماری بر اساس اعداد استفاده می‌شد. بررسی چند نمونه از تقویم‌هایی که اختصاصاً بر اساس گاه‌شماری جلالی استخراج شده‌اند (از جمله تقویم سال ۶۰۹ جلالی / ۱۶۸۷ میلادی نک: <تقویم ایرانی ۴۷>، [ص ۲-۲۵])، استفاده از روش شمارش روزها بر اساس گاه‌شماری یزدگردی، یعنی دوازده ماه سی‌روزه و پنج روز اندرگاه در انتهای اسفند، را با روش عددشماری روزها، نه نامگذاری آنها، تأیید می‌کند. در دوره‌های بعد، از جمله در دوره قاجار، که گاه‌شماری جلالی در کنار سایر گاه‌شماری‌ها در سالنامه‌های چاپی درج می‌شد، نیز از این روش استفاده می‌شد (از جمله نک: محمود قمی، ص ۱-۱۳).

جدول ۷ - نام روزهای ماه در گاهشماری جلالی

جشن ساز	۱
بزم نه	۲
سرفراز	۳
کشن نشین	۴
نوش خور	۵
غم زدا (ی)	۶
رخ فروز	۷
مال بخش	۸
زرفشان	۹
نام جو (ی)	۱۰
رزم جو (ی)	۱۱
کینه کش	۱۲
تیغ زن	۱۳
داد ده	۱۴
دین پژوه	۱۵
دیوبند	۱۶
ره گشا (ی)	۱۷
اسب تاز	۱۸
گوی باز	۱۹
پایدار	۲۰
مهر کار	۲۱
دوست بین	۲۲
جانفزا (ی)	۲۳
بت فریب	۲۴
کامران	۲۵
شادباش	۲۶
دیرزی	۲۷
شیرگیر	۲۸
کامیاب	۲۹
ای شهریار	۳۰

پنج روز پایانی سال	
آفرین	۱
فرخ	۲
فیروز	۳
رامشت	۴
درست	۵

به علت رواج همزمان نام ماههای سال در گاه‌شماری یزدگردی و جلالی، این نامها در گاه‌شماری جلالی عموماً با ذکر عبارت سلطانی، جلالی یا ملکی از گاه‌شماری یزدگردی جدا می‌شدند. این القاب بویژه در ادب فارسی بسیار به کاررفته است (برای نمونه‌هایی از این موارد نک: ادامه مقاله، بخش ۱۲).

چگونگی اعمال کبیسه‌های گاه‌شماری جلالی و طول سال در این گاه‌شماری، موضوعاتی هستند که کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند. خازنی که خود جدولی برای سالهای کبیسه در این گاه‌شماری طراحی کرده (نک: ص ۱۰۹)، طول سال شمسی را ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۵ دقیقه و ۴۴ ثانیه و ۱۴ ثلثه و ۱۸ رابعه و ۴۵ خامسه ذکر نموده است (ص ۲۱) اما ترتیبی که او برای استخراج کبیسه‌های این گاه‌شماری اتخاذ کرده، برای طول سالی که آورده، تنظیم نشده است (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۰۸) و باعث بروز اختلاف در چگونگی اعمال کبیسه‌ها می‌شود. طول سال در این گاه‌شماری بر اساس اطلاع دقیق از تعداد روزهایی به دست می‌آید که در یک دوره زمانی خاص باید کبیسه شوند. این موضوع خود به یکی از مهمترین ویژگیهای کبیسه‌گیری در گاه‌شماری جلالی (که مظهر دقت بی‌نظیر این گاه‌شماری به حساب می‌آید)، یعنی اعمال دوره‌ای کبیسه‌هایی با فاصله پنج سال، بستگی دارد. این، بر خلاف عرف رایج در انواع گاه‌شماری‌های دیگر است که در آنها فقط کبیسه‌های چهارساله وجود دارد.

چگونگی کبیسه‌گیری پنج ساله، بعد از اعمال تعداد معینی کبیسه چهار ساله، موضوع بحثهای بسیاری شده است. گروهی (از جمله تقی‌زاده، ج ۶، ص ۱۵۲-۱۵۴؛ صیاد، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۱۶) منکر وجود روش خاصی برای کبیسه‌گیریهای چهارساله و پنج‌ساله‌اند. بنا به جدول کبیسه‌های جلالی در زیج ایلخانی دوره‌های حاصل از اعمال این کبیسه‌ها در یک دوره ۱۲۸ ساله ثابت می‌شده و بر اساس این دوره می‌توان طول سال را در گاه‌شماری جلالی محاسبه کرد (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۱۱-۳۱۲). در این دوره ۱۲۸ ساله جمعاً ۳۱ روز کبیسه اعمال می‌شود. دقت اینگونه کبیسه‌گیری در گاه‌شماری جلالی برای برابرسازی تعداد معینی از روزهای سال با حرکت واقعی خورشید در منطقه البروج و نیز محاسبه طول سال شمسی، در مقایسه با سایر گاه‌شماری‌های شمسی، از جمله گاه‌شماری میلادی به مراتب بیشتر است (بارانی، ص ۱۶۶-۱۷۵).

مهمترین منابع تاریخی درباره گاه‌شماری جلالی، زیجها یا شرح زیجهایی است که از زمان رواج این گاه‌شماری (قرن پنجم هجری قمری) و پس از آن نگاشته شده‌اند. بجز زیج مفرد محمدبن ایوب طبری و زیج معتبر سنجرى عبدالرحمان خازنى و زیج ایلخانى خواجه نصیرالدین طوسى، حسن‌بن حسین سمنانى در توضیح زیج ایلخانى (تألیف ۷۹۵؛ گ ۶۷ ر ۶۸ پ) و عبدالعلی بیرجندى در شرح زیج جدید سلطانى (تألیف ۹۲۹؛ گ ۱۷ ر ۲۰) به ذکر نکاتی درباره گاه‌شماری جلالی پرداخته‌اند. ابوالفضل علامی، تاریخ‌نگار و نویسنده دوره تیموریان هند، نیز در چند جا (از جمله، ۱۸۷۷-۱۸۸۶، ج ۱، ص ۱۸، ج ۲، ص ۳) تاریخهای گوناگونی را با گاه‌شماری جلالی ثبت کرده است. از اواخر قرن دهم - اوایل قرن یازدهم هجری قمری، که تهیه سالنامه‌ها و تقویمهای سالانه به زبان فارسی رواج یافت، تاکنون، گاه‌شماری جلالی نیز در کنار سایر انواع گاه‌شماری‌ها در این سالنامه‌ها درج می‌شود (برای نمونه نک: نجومی، ص ۲). تقویم سال ۶۰۹ جلالی/۱۶۸۷ میلادی، که در ۱۶۹۶ میلادی در رم چاپ شده است، کهنترین نمونه گاه‌شماری جلالی در اروپا به شمار می‌رود (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری جلالی نک: گینتسل، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۵؛ عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۹۷-۳۱۷؛ کریستوفورتی، ص ۸۲-۹۳).

۵. گاه‌شماری غازانی.

به دنبال حمله مغول به ایران در ۶۱۷ و حکومت چنگیزخان و جانشینان او و در نهایت حکومت ایلخانیان، تغییراتی در گاه‌شماری‌های رایج در ایران به وجود آمد؛ از جمله رواج دو گونه گاه‌شماری خانى (= غازانى)، در دوره کوتاهی از حکومت ایلخانیان، و البته گاه‌شماری دوازده حیوانی (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری دوازده حیوانی نک: بخش ۶). از میان دو گاه‌شماری، که هر دو با عنوان خانى معرفی شده‌اند، از گاه‌شماری نخست اطلاع اندکی باقی مانده اما اسناد فراوانی از گاه‌شماری دوم در دست است. مبدأ گاه‌شماری خانى نخست، ۶۰۲ هجری قمری است؛ یعنی، تاریخی که چنگیزخان (۵۴۹ - ۶۲۴) اقوام مغول را متحد کرد. اسناد معدودی با این مبدأ وجود دارد؛ از جمله ملا مظفر گنابادی (باب پانزدهم) در ذکر تقویم سال ۱۰۰۵ هجری قمری، این مبدأ را با عنوان جلوس چنگیزخان معرفی نموده است (برای آگاهی بیشتر درباره این گاه‌شماری نک: تقی‌زاده، ج ۶، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ د. اسلام، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۲۶۸).

گاه‌شماری خانى دوم، که الخانى و غازانى نیز نامیده می‌شود، در زمان سلطان غازان‌خان (۶۹۴-۷۰۳)، هفتمین پادشاه سلسله ایلخانیان، و بنا بر شکایت مؤدیان مالیات از نابسامانی وضع جمع‌آوری مالیات بر اساس گاه‌شماری هجری قمری، به وجود آمد (وابکنوی، گ ۵۲ پ - ۵۳ ر). بر اثر این پافشاریها غازان‌خان به وزیر خود، رشیدالدین فضل‌الله، دستور طراحی و رسمیت دادن این گاه‌شماری را داد (بناکتی، ص ۲۶). مبدأ گاه‌شماری غازانى، ۱۲ رجب ۷۰۱ هجری قمری (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲ ش، ص ۶۰۶؛ همو، ۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۱۴۱۵) و مقارن اعتدال بهاری بوده است. تقی‌زاده (ج ۶، ص ۱۵۷-۱۵۸) تاریخهای متعددی به نقل از وصاف‌الحضرة (ص ۴۰۴، ۴۳۵) بر اساس گاه‌شماری غازانى ذکر کرده و نیز چند تاریخ برای مبدأ این گاه‌شماری برشمرده، که درست

نیست. بناکتی (همانجا) تاریخی مغایر با نوشته حمدالله مستوفی برای مبدأ گاه‌شماری غازی ذکر کرده است.

به نوشته وایکنوی (گ ۵۲ پ - ۵۶ ر)، که بیشترین اطلاعات را درباره این گاه‌شماری داده، ارکان گاه‌شماری غازی، چه از نظر طول سال چه از نظر آرایه کیسه‌های آن، کاملاً برابر گاه‌شماری جلالی است. تنها اختلاف در این زمینه، زمان آغاز سال نو (نوروز) است. وایکنوی (گ ۵۳ ر - ۵۴ ر) نوروز گاه‌شماری غازی را زمانی می‌داند که تا غروب آن روز آفتاب وارد برج حمل شده باشد. بر این اساس، امکان یک روز اختلاف در موضع آغاز سال نو بین این گاه‌شماری و گاه‌شماری جلالی وجود دارد (همانجا). این یک روز اختلاف بین نویسندگان معاصر وایکنوی (از جمله حمدالله مستوفی، همانجاها) و نویسندگان عصر حاضر (از جمله هامر پورگشتال، ص ۳۵۸؛ گینتسل، ج ۱، ص ۳۰۴)، که روز ۱۳ رجب ۷۰۱ هجری قمری را نخستین روز از نخستین سال گاه‌شماری غازی می‌دانند، نیز وجود دارد.

در مورد نام ماههای سال نیز اگرچه وایکنوی (گ ۵۵ ر) به استفاده از نامهای ترکی در این گاه‌شماری اشاره می‌کند، در اسناد متعدد تاریخگذاری شده با این گاه‌شماری، انواع نامهای ماه به کار رفته است. در سندی متعلق به سال ۵۲ خانی (= غازی) / ۷۵۲ هجری قمری، از اسناد بقعه شیخ صفی (سند ش ۴۴۵، مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی در بایگانی بخش اسلامی موزه ملی ایران) که احتمالاً مربوط به ملک‌اشرف چوپانی (متوفی ۷۵۸) از امرای سلسله چوپانیان است از نام ماههای هجری قمری با تاریخ غازی استفاده شده است. در عین حال، به قرینه ذکر نام تیرماه جلالی در سنگنوشته‌ای متعلق به سال ۱۸۰ خانی (= غازی) / ۸۸۶ هجری قمری، کاربرد نام ماههای جلالی نیز در این گاه‌شماری تأیید می‌شود (برای آگاهی از متن این سنگنوشته که سنگ مزاری با دو تاریخ غازی و هجری قمری است نک: مهدی بهرامی، ص ۲۵۹) در نهایت در تقویمهای نجومی که انتشار آنها تقریباً از یک قرن و نیم گذشته در ایران معمول شده است، نام ماههای ترکی در کنار گاه‌شماری غازی ذکر شده‌اند (برای نمونه نک: نجم‌الدوله، ۱۲۷۱ ش، ص ۵). کهنترین اسناد مربوط به گاه‌شماری خانی (= غازی)، سکه‌های ضرب شده در زمان ابوسعید بهادرخان (۷۱۷-۷۳۶)، نهمین پادشاه سلسله ایلخانیان، و مورخ به سال ۳۳ خانی (= غازی) می‌باشد (تراپی طباطبائی، ص ۳۴-۳۵). این سکه‌ها رواج رسمی گاه‌شماری غازی را تا سالهای پایانی حکومت ابوسعید تأیید می‌کند. اما وجود سکه‌هایی با تاریخ هجری قمری، مربوط به پیش از تاریخهای ضرب شده بر سکه‌های ایلخانی و پس از آن (نک: همان، ص ۲۶، ۴۰)، نشان می‌دهد که گاه‌شماری هجری قمری همچنان گاه‌شماری رسمی دوره ایلخانی بوده است. هامر - پورگشتال (ص ۳۵۸-۳۵۹) بین‌التاریخین گاه‌شماری غازی (بر اساس مورد نظر وی، یعنی ۱۳ رجب ۷۰۱ هجری قمری) با مبدأ گاه‌شماری جلالی (۹ رمضان ۴۷۱ هجری قمری) را ۸۱۴۵۱ روز محاسبه کرده و بر این اساس، بین‌التاریخین گاه‌شماری غازی را با چند گاه‌شماری مهم اسلامی به دست داده است (برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری خانی / غازی نک: همان، ص ۳۵۷-۳۵۹؛ گینتسل، ج ۱، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۲۸-۳۳۰).

در قرن هشتم هجری، گاه‌شماری دیگری با نام «جمالی» در نواحی فارس وجود داشته است. تنها سند درباره این گاه‌شماری کتیبه‌ای به عربی بر بنای خدای خانه واقع در مسجد جامع شیراز و متعلق به زمان زندگی امیر جمال‌الدین شیخ ابواسحاق اینجو (زندگی ۷۲۱-۷۵۸) پادشاه فارس، است. بر اساس این کتیبه، سال ۷۵۲ هجری قمری برابر سال ششم جمالی بوده است (نک: تصویر ۱). اگر چه سند دیگری درباره این گاه‌شماری به دست نیامده، ماهیت آن، خراجی و با نام ماههای قمری شناخته شده است (محیط طباطبائی، ص ۱۳۶-۱۳۷).

ج) گاه‌شماری در ایران از قرن نهم هجری قمری تاکنون

۱. گاه‌شماری در ایران از قرن نهم تا چهاردهم هجری

۲. گاه‌شماری هجری شمسی

۳. گاه‌شماری شاهنشاهی

۱. گاه‌شماری در ایران از قرن نهم تا چهاردهم هجری.

از قرن نهم تا سال ۱۳۲۹ هجری قمری، که استفاده از سال شمسی (نک: ادامه همین بخش) در ایران رسمیت یافت، رویداد تأثیرگذاری در گاه‌شماری ایرانی رخ نداد. در حالی که از اواسط قرن چهاردهم به بعد، وقوع چند پدیده ناگهانی، یعنی رواج گاه‌شماری‌های جدید، این دوره کوتاه را به مقطع بسیار مهمی در بررسی گاه‌شماری‌های ایرانی تبدیل کرد.

مهمترین ویژگیهای گاه‌شناسانه در ایران از قرن نهم هجری به بعد، مؤلفه‌هایی هستند که اگرچه هر کدام ارکانی از گاه‌شماری به شمار می‌روند، قرار دادن آنها در کنار هم باعث پیدایی گونه جدیدی از گاه‌شماری تا پیش از رواج گاه‌شماری هجری شمسی (نک: ادامه همین بخش) نمی‌شود. از قرن نهم هجری به بعد، گاه‌شماری هجری قمری گاه‌شماری رسمی در کلیه اسناد بوده است، در حالی که آثاری که نشان‌دهنده رواج نوعی سال شمسی بوده، در این زمان دیده می‌شود. گاه‌شماری دوازده‌حیوانی نیز، با مبدأ هجری قمری، از زمان صفویه به بعد رواج داشته و در اسناد و نامه‌ها و سفرنامه‌ها از آن استفاده شده است (درباره این گاه‌شماری نک: بخش ۶). ذکر نام ماههای شمسی در کنار گاه‌شماری هجری قمری نشان‌دهنده این واقعیت است که بسیاری از منجمان و نویسندگان و استخراج‌کنندگان تقویم همچنان از گونه‌ای گاه‌شماری شمسی استفاده می‌کرده‌اند.

گزارش غیاث‌الدین علی یزدی (ص ۱۷۶) درباره نوروز ۸۰۱ قمری، که تبدیل تاریخ نیز موقعیت آن را تأیید می‌کند، بخوبی بیان‌کننده آن است که در این زمان گونه‌ای گاه‌شماری شمسی مورد توجه عده‌ای از نویسندگان بوده است. تاریخهایی که جلال‌الدین محمد منجم یزدی (ص ۷۱، ۱۵۸، ۲۴۰) در اواخر قرن دهم تا اوایل قرن یازدهم هجری ذکر کرده نیز عنایت به چنین گاه‌شماری شمسی را تأیید می‌کند. نوشته‌های اسکندر بیگ منشی نیز — که به طور مثال به ذکر لحظه ورود خورشید به برجهای مختلف فلکی، از جمله صورت فلکی حمل (مقارن اعتدال بهاری)، پرداخته است (ج ۳، ص

۱۰۵۹، ص ۱۰۷۲) — مؤید همین نکته است. در این میان، تقریباً نیمی از کتاب اسکندریبگ منشی (از ج ۲، ص ۳۸۱ تا ج ۳، ص ۱۰۸۳)، که اختصاص به شرح دوره حکومت شاه‌عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸) دارد، بر اساس نوعی گاه‌شماری شمسی، با ارکان گاه‌شماری جلالی ولی با مبدأ جلوس شاه‌عباس بر تخت سلطنت، نوشته شده است. اسکندر منشی (ج ۲، ص ۳۷۹-۳۸۰) در دفاع از مبدأ ابداعی خویش، از کسانی که در قید کردن تاریخهای مهم تنها به ذکر تاریخ قمری اکتفا می‌کرده‌اند، انتقاد کرده است.

از قرن یازدهم هجری قمری تا زمان رسمیت یافتن گاه‌شماری هجری شمسی، مهمترین رخدادهای گاه‌شماری رسمیت یافتن سال شمسی به عنوان دوره زمانی قانونی برای محاسبات مالی کشور بود که هم‌زمان با تصویب قانون محاسبات عمومی کشور در ۲۱ صفر ۱۳۲۹ هجری قمری (اول فروردین ۱۲۹۰ هجری شمسی)، در دومین دوره مجلس شورای ملی تصویب شد. بر اساس این قانون، سال و ماه شمسی (بروج دوازده‌گانه) دوره زمانی محاسبه بودجه عمومی کشور شد (برای آگاهی از متن این قانون نک: ایران. قوانین و احکام، ۱۳۱۸ ش، ص ۲۵۵-۲۵۶). به هنگام بحث درباره تصویب این بخش از قانون محاسبات عمومی کشور، بحثهای گوناگونی درباره طول مدت ماههای شمسی (بروج) و اسامی ماهها مطرح گردید (برای آگاهی از این بحثها نک: ایران. مجلس شورای ملی، مذاکرات مجلس: دوره دوم، قسمت ۱، ص ۵۸۵ - ۵۸۶).

بدون شک این بحثها زمینه‌ساز بحثهایی شدند که در پنجمین دوره مجلس شورای ملی در خصوص وضع قانون گاه‌شماری هجری شمسی صورت گرفت و اگرچه پانزده سال بعد به نتیجه رسید (نک: ادامه مقاله)، دست‌کم تا ربع قرن پیش از تصویب قانون محاسبات عمومی، تقویمهایی بر اساس گاه‌شماری هجری شمسی در ایران استخراج و چاپ می‌شد (برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: صیاد، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۱۱). در ۱۳۴۰ هجری قمری / ۱۳۰۱ هجری شمسی، سید جلال‌الدین طهرانی نوعی گاه‌شماری شمسی ابداع کرد که مبدأ آن آغاز سلطنت احمدشاه قاجار (۲۷ جمادی‌الآخره ۱۳۲۷) بود. وی برای ماههای این گاه‌شماری نامهایی ابداع نمود. این گاه‌شماری، که تاریخ احمدی نام گرفت، تنها در آثاری که خود طهرانی انتشار داد، درج شده است (از جمله نک: طهرانی، ۱۳۰۲ ش، ص ۳). او نام ماههای این گاه‌شماری را در یک گاه‌شماری با مبدأ دیگر، که چند سال بعد پیشنهاد کرد، نیز به کار برد (نک: ادامه مقاله، همین‌بخش، قسمت: ۳).

۲. گاه‌شماری هجری شمسی. به عنوان مهمترین و اثرگذارترین رخداد در سیر تاریخی گاه‌شماری در ایران، در آخرین روزهای سال ۱۳۰۳ و اولین روزهای سال ۱۳۰۴ ش، نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای ملی گاه‌شماری هجری شمسی کنونی ایران را، که بجز مقطع کوتاهی در اواسط دهه ۱۳۵۰ ش گاه‌شماری رسمی ایران بود، در دو جلسه مورد بحث قرار داده در نهایت تصویب کردند (نک: ایران. مجلس شورای ملی، مذاکرات مجلس: دوره پنجم، قسمت ۲، ص ۱۰۱۰-۱۰۱۴، ۱۰۵۵-۱۰۶۱). بر اساس ماده دوم این قانون استفاده از گاه‌شماری ختّا و اویغور (= گاه‌شماری دوازده حیوانی) منسوخ شد (نک: ایران. قوانین و احکام، ۱۳۵۰ ش، ص ۲۲۵-۲۲۶) در حالی که استفاده از گاه‌شماری دوازده حیوانی همچنان در فرهنگ عمومی مردم ایران رواج دارد.

بر اساس قانون مصوب مذکور، گاه‌شماری هجری شمسی با مبدأ هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه و با طول سال شمسی و با نام ماههای فارسی میانه مورد استفاده قرار گرفت. مبدأ این گاه‌شماری، اول فروردین سال اول هجرت پیامبر است؛ یعنی، ۱۱۹ روز پیش از مبدأ گاه‌شماری هجری قمری و ۱۷۹ روز پیش از هجرت (برای آگاهی از موقعیت روزهای نخستین این گاه‌شماری تا زمان هجرت نک: ملک‌پور، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۲۶-۱۲۸). بین‌التاریخین گاه‌شماری هجری شمسی و چند گاه‌شماری دیگر، بر اساس اختلاف ۱۱۹ روزه بین این گاه‌شماری و گاه‌شماری هجری قمری استخراج شده است (عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۴۲).

در مورد آرایه کیبسه‌های این گاه‌شماری، اگرچه تقی‌زاده به الگوبرداری از کیبسه‌گیریه‌های گاه‌شماری جلالی اشاره می‌کند (ج ۱۰، ص ۲-۳ و پانویس ۶)، در عمل بین کیبسه‌های اعمال شده در این گاه‌شماری با گاه‌شماری جلالی اختلافهایی وجود دارد (نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۴۴-۳۴۵، ۳۷۲، جدول ۱۹).

برای رفع چنین اختلافاتی در گاه‌شماری هجری شمسی، هیئت اصلاح تقویم تحت نظارت دانشگاه تهران (سالنامه‌پارس، بخش ۲، ص ۲۴۱) یا وزارت فرهنگ وقت (سندش ۰۴۶، ۰۰۰، ۲۹۳، آرشیو سازمان اسناد ملی ایران) تشکیل می‌شده است. این هیئت از جمله برای رفع مشکل آرایه‌های کیبسه گاه‌شماری هجری شمسی، همان روش کیبسه‌گیری گاه‌شماری میلادی گرگوری (درباره این روش نک: ادامه مقاله، بخش ۸) را پیشنهاد کرد و حتی آرایه جدیدی به نام «تعدیل پهلوی»، مبنی بر حذف کردن و اجرا نکردن چهار روز کیبسه در هر پانصدسال، یعنی کیبسه‌گیری طبق روش اجرا شده در گاه‌شماری میلادی گرگوری، عرضه نمود (همانجا؛ اکرمی، ص ۸۰-۸۴؛ ملک‌پور و صیاد، ص ۲۵-۳۶، کیبسه‌های گاه‌شماری هجری شمسی را برای یک دوره معین، بر اساس آرای متفاوت ذکر شده درباره استخراج کیبسه‌های این گاه‌شماری، ارائه کرده‌اند). امروزه روش سهل ممتنعی برای استخراج دوره‌های کیبسه در گاه‌شماری هجری شمسی ابداع شده است (برای آگاهی از این روش نک: عبداللهی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۴۶-۳۴۷؛ برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری هجری شمسی نک: همان، ص ۳۴۱-۳۴۷؛ صیاد، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۹-۱۱۸؛ کریستوفورتی، ص ۹۹-۱۰۱).

۳. گاه‌شماری شاهنشاهی. آخرین تغییر در ماهیت گاه‌شماری‌های رایج در ایران ابداع گاه‌شماری جدیدی به نام شاهنشاهی بود. در ۲۴ اسفند ۱۳۵۴، در جلسه مشترک مجلس شورای ملی و مجلس سنای وقت، گاه‌شماری شاهنشاهی از مبدأ فرضی و تقریبی آغاز پادشاهی کوروش هخامنشی (بنیانگذار سلسله هخامنشی) در ۵۵۹ پیش از میلاد، وضع شد و مقرر گردید که در یک دوره زمانی محدود کلیه تاریخهای اسناد، شناسنامه‌ها و اوراق رسمی به این گاه‌شماری تغییر یابد (برای آگاهی از بحثهای صورت گرفته در این باره و قطعنامه مشترک دو مجلس که به وضع این گاه‌شماری انجامید نک: اطلاعات، ش ۹۵۹، ۱۴، ص ۴-۵، ۲۷، ۲۹؛ کیهان، ش ۸۱۲، ۹، ص ۲، ۱۴، ۲۵، ۳۱). کلیه ارکان این گاه‌شماری، بجز مبدأ آن، با گاه‌شماری‌های جلالی و هجری شمسی برابر و اختلاف مبدأ آن با گاه‌شماری هجری شمسی ۱۱۸۰ سال بود. با توجه به این اختلاف، تبدیل تاریخهای ذکر شده با این گاه‌شماری به گاه‌شماری هجری شمسی بسیار ساده است.

گفتنی است که وضع گاه‌شماری با مبدأ مفروض آغاز سلطنت کوروش هخامنشی در ایران به گاه‌شماری شاهنشاهی محدود نمی‌شود. مدتها پیش از وضع گاه‌شماری شاهنشاهی، در ۱۳۰۶ ش، سید جلال‌الدین طهرانی نوعی گاه‌شماری پیشنهاد کرد که مبدأ آن همین آغاز پادشاهی فرضی کوروش هخامنشی بود (طهرانی، ۱۳۰۶ ش، ص ۱۸۹). مبدأ این گاه‌شماری پیشنهادی سال ۵۰۰ ق م، و در نتیجه اختلاف آن با مبدأ گاه‌شماری هجری شمسی ۱۱۲۰ سال بود. اسم ماهها در این گاه‌شماری نامهای ابداعی جلال‌الدین طهرانی بود که بر اساس نامهایی که سنجر کمالی (گ ۴ پ) ذکر کرده بود، از نام ماههای گاه‌شماری جلالی الگوبرداری شده بود. سایر ارکان این گاه‌شماری نیز همانند گاه‌شماری جلالی بود. تفاوت مبدأ پیشنهادی در گاه‌شماری مورد اشاره طهرانی با گاه‌شماری شاهنشاهی نیز از اینجا ناشی می‌شد که در گاه‌شماری شاهنشاهی، دو رقم سمت راست تاریخ هر سال، سالهای سپری شده از آغاز پادشاهی محمدرضا پهلوی (۲۶ شهریور ۱۳۲۰) را نشان می‌داد. به گاه‌شماری شاهنشاهی از همان ابتدا اعتراض شد و همزمان با نخستین تظاهرات مردم — که به انقلاب اسلامی انجامید — و در جهت تأمین خواست مردم انقلابی، در ۵ شهریور ۱۳۵۷، جعفر شریف امامی، در نخستین روز نخست‌وزیری خود طی بخشنامه‌ای گاه‌شماری شاهنشاهی را منسوخ اعلام کرد و گاه‌شماری هجری شمسی دوباره رسمیت یافت (برای متن این بخشنامه نک: اطلاعات، ش ۶۹۶، ۱۵، ص ۴، ستون ۱).

د) گاه‌شماری‌های محلی ایران. علاوه بر انواع گاه‌شماری‌های رسمی، که هر یک بنا به موقعیتی خاص در مقطعی از زمان در ایران رواج یافته‌اند، انواعی از گاه‌شماری‌ها نیز، بسته به عوامل جغرافیایی یا زبانی یا مذهبی، در نواحی گوناگون مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند که بویژه طی قرن گذشته بررسیهای چندی درباره برخی از آنها انجام شده و ذیلاً به آنها اشاره می‌شود. بدیهی است که تعداد این گاه‌شماری‌های محلی در سراسر ایران بمراتب بیش از آن چیزی است که مورد پژوهش قرار گرفته‌است. به طور کلی، پس از ورود وسایل جدید ارتباط جمعی به ایران بسیاری از گاه‌شماری‌های محلی بسرعت متروک شدند و جای خود را به گاه‌شماری رسمی کشور دادند. پیدایی گاه‌شماری‌های محلی را نیز می‌توان ناشی از عوامل اقتصادی - معیشتی و مذهبی - قومی در اجرای آیینها و شعائر مذهبی و قومی دانست. پیشینه و ماهیت بسیاری از این گاه‌شماری‌ها از نظر ارکان مختلف هر گاه‌شماری، در میان گاه‌شماری‌های محلی ایرانی، بویژه به گاه‌شماری یزدگردی می‌رسد (نک: ادامه همین بخش).

گروه بزرگی از گاه‌شماری‌های محلی ایران طی قرن گذشته در سواحل جنوبی دریای خزر شناسایی شده‌اند که با تفاوتی اندک در ضبط نام ماههای سال، با نامهای گالشی (مظفری، ص ۳۹۸-۴۰۹)، دیلمی (عمادی، ۱۳۵۴ ش ب، ص ۳۲۵-۳۳۲) و طبری (کیا، ص ۲۴۷) معرفی شده‌اند. ارکان این گاه‌شماری‌ها اساساً همان ارکان گاه‌شماری یزدگردی است، که تنها با تفاوت‌های اندک گویشی در نام ماهها، در شمال و شمال غرب ایران رواج داشته‌اند که با توجه به همین ویژگی این گاه‌شماری‌ها از آن به فرس قدیم (بلوکباشی، ص ۸۴) نیز یاد می‌شود. وجود گونه‌های کم‌کاربردتر این گاه‌شماری، با همین نام ماهها در یوش (نک: طاهباز، ص ۶۳-۶۶) و کندلوس (نک: جلالی کندلوسی، ص ۲۱۳-۲۱۴)

۲۱۸) نیز گزارش شده است. همانند گاه‌شماری یزدگردی، در این گاه‌شماری‌های محلی نیز سال از دوازده ماه سی‌روزه و پنج روز اندرگاه تشکیل می‌شد. پنج روز اندرگاه در نواحی گوناگون، پیتک (بلوکباشی، همانجا؛ طاهباز، ص ۶۴) یا پنجمک (مظفری، ص ۳۹۹) نامیده می‌شد. محل قرار گرفتن این پنج روز به گونه‌ای که کوشیاربن لبان (گ ۹ ر) در مورد گاه‌شماری یزدگردی ذکر کرده است، پایان آبان ماه بود. نام این ماه، به صورت اول ماه (نک: عمادی، ۱۳۵۴ ش ب، ص ۳۲۹) یا اون ماه (نک: جلالی کندلوسی، ص ۲۱۳) ضبط شده که هر دو تصحیفی از نام ماه آبان است. همچنین، از آنجایی که در ۶۳۲ میلادی، هنگام ابداع گاه‌شماری یزدگردی، ماه تیر در گاه‌شماری وهیژکی (کیسه‌دار) مقارن اسفند در گاه‌شماری جدیدالتأسیس خراجی ساسانی قرار داشته، جشن تیرگان یا تیر موسیزه (نک: طاهباز، ص ۶۶)، نوروز طبری (نک: هاشم‌بن نورالدین، ص ۸۸؛ کیا، ص ۲۴۸) نیز نامیده شده است. گونه‌ای از این گاه‌شماری، با همین ویژگیها اما با نامهای اندکی متفاوت نسبت به گاه‌شماری‌های شمال ایران، در سنگسر (امروزه: مهدیشهر؛ واقع در شمال استان سمنان) نیز رواج داشته است (برای آگاهی از ویژگیهای این گاه‌شماری و نام ماههای آن نک: کیا، ص ۲۴۷-۲۵۰؛ عمادی، ۱۳۵۵ ش، ص ۴۱-۵۲؛ اعظمی، ص ۲۴۳-۲۵۲؛ برای آگاهی از ماهیت گاه‌شماری یزدگردی نک: بخش ۴، قسمت ب: ۱).

یکی از گاه‌شماری‌های محلی ایران، که بر خلاف سایر گاه‌شماری‌های محلی مبدائی متفاوت با مبدأ گاه‌شماری هجری شمسی دارد، گاه‌شماری کردی است که علاوه بر مبدأهای متعددی که در نواحی گوناگون و به صورت محدود در آن استفاده می‌شود، مبدأ مفروضی مربوط به فتح نینوا (پایتخت امپراتوری باستانی آشور) به دست هوخشتره در ۶۱۲ ق م را برای آن انتخاب کرده‌اند (ایوبیان، ص ۱۸۰-۱۸۲) و امروزه نیز در تقویمهای چاپی از آن استفاده می‌شود (روژ ژمیری کوردستان، ص ۳). بین نواحی کردنشین، صورتهای مشابه نام کردی ماهها وجود دارد (برای آگاهی از این نامها نک: ایوبیان، جدول بین صفحات ۱۸۸-۱۸۹). برخلاف گاه‌شماری‌های شمال ایران، که نام ماهها در آنها تصحیفی گویشی از نام ماههای گاه‌شماری یزدگردی است، این نامها در گاه‌شماری کردی بر گرفته از نامهای اصیل و محلی کردی می‌باشد (همان، ص ۱۸۴-۱۹۰). بجز نام ماههای سال و مبدأ گاه‌شماری محلی کردی، سایر ارکان این گاه‌شماری (طول سال و آرایه کیسه‌های آن) عیناً برگرفته از گاه‌شماری هجری شمسی است (همان، ص ۱۸۲؛ برای آگاهی بیشتر درباره این گاه‌شماری، از جمله صورتهای گوناگون نام ماههای سال و فصول و روزهای هفته نک: سلیمی، ص ۲۶-۴۲).

بین طایفه‌های متعدد بلوچی - سیستانی نیز صورتهایی از گاه‌شماری محلی شمسی برای برآوردن حواجی اقتصادی و معیشتی، و گاه‌شماری قمری برای انجام دادن امور مذهبی، وجود دارد. این گاه‌شماری قمری، با اختلاف اندک، همان گاه‌شماری هجری قمری است. این طوایف برای زمان‌یابی و تعیین موقعیتهای کشاورزی خاص در طول سال، از شناسایی و رصد برخی ستارگان بهره می‌گیرند (جانب‌اللهی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ برای آگاهی بیشتر درباره گاه‌شماری سیستان نک: همان، ص ۱۰۰-۱۱۷). در گاه‌شماری شمسی این اقوام، نامهای گوناگونی برای ماههای سال وجود دارد (برای آگاهی از شش‌گونه از این نامها نک: همان، ص ۱۱۰). ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳، ص ۷۰) نیز

صورتی از نام ماههای گاه‌شماری سیستان را به دست می‌دهد که با هیچیک از صورتهای کنونی آن شباهتی ندارد (برای آگاهی بیشتر درباره این گاه‌شماری سیستانی که ابوریحان بیرونی از آن یاد کرده نک: آلتهایم و اشتیل، ص ۱۹۲-۱۹۶). همچنین صورتی از نام ماههای قمری در این منطقه ذکر شده است (جانب‌اللهی، ص ۱۰۸). گونه‌هایی از نوعی گاه‌شماری محلی در حوالی مشکین‌شهر (نک: ساعدی، ص ۳۴-۳۷) و جزیره قشم (نک: اسدیان، ص ۴۹-۵۳) نیز گزارش شده است.